

بدنبال محاکمه شهردار تهران و عزل وزیر کشور

پایان یک دوره؟

حوادث و رویدادهای یکسال و یک ماهی که از انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری گذشت، نشان داد، که هر نوع مصالحه، سازش و ماشاات با باندهای مالی-سیاسی در جمهوری اسلامی، عملاً یعنی فراهم ساختن فرصت برای این باندها، جهت تشدید مقابله با مردم!

در این تردید نیست، که چشم و گوش مردم، حتی همان ۲۰ میلیونی که به محمد خاتمی رای دادند، اکنون بسیار بیش از زمان برگزاری آن انتخابات باز شده و بسیار عمیق تر و جامع تر از گذشته با مخالفان تحولات، خاتمتین به آرمان های انقلاب ۵۷، مدافعان ارتجاع مذهبی و بازارهای غارتگر آشنا شده اند، اما بنظر حزب توده ایران، همانگونه که در تمام یکسال و یک ماه گذشته، "راه توده" آن را با ارائه استدلالهای گوناگون بیان داشته، مقاومت در برابر توطئه ها، با علنی کردن آنها و از همان آغاز تلاش هائمی که برای تشکیل کابینه صورت می گرفت، باید اشکال علنی و بسیج کننده به خود می گرفت. نباید به طرد شدگان انتخابات فرصت رایزنی و ترمیم زخم هائی داده می شد که در انتخابات ریاست جمهوری بر بدن فربه آن وارد آمده بود!

کابینه دوم خرداد، همان زمان باید تشکیل می شد و مجلس اسلامی نیز همان زمان باید در برابر چشمان باز و گوش های تیز مردم افشاء می شد. آنچه که تشکیل شد، پس از یک دوره تاخیر دراز مدت، کابینه ای بود مصلحتی، به امید درک و قبول واقعیت "شکست" و "طرده" از جانب جبهه "ارتجاع-بازار"، که در عمل همگان شاهدیم چنین نشد. نه تنها چیزی نیاموختند، بلکه اساساً در مبارزه ای که ریشه آن در دفاع از منافع طبقاتی و قشری است، جانی برای آموزش و آموختن نیست. هرگز در طول تاریخ، قشر و طبقه ای با موعظه و نصیحت و آموزش جایجا نشده است! ایران و جمهوری اسلامی نیز تا فته جدا یافته ای از تاریخ نیست. در همین جمهوری اسلامی دیدیم که همان آقای عسگر اولادی ها، همان آیت الله خزعلی ها و بقیه این قشر و طبقه، بر همان مواضع ای پای نشدند و از همان منافع دفاع کردند، که از بدو پیروزی انقلاب پای فشرده و دفاع کرده بودند. آنها آن زمان، علیرغم نفوذ کلام بی نظیری که آیت الله خمینی در جمهوری اسلامی داشت، بر مواضع خود ایستادند و تا زمانی که او را به دام نکشیدند و به دنبال رو خود تبدیل نکردند، دست برنداشتند! مواضع و موقیعت ها و سخنرانی های آیت الله خزعلی، حبیب الله عسگر اولادی و علی اکبر پرورش را از بدو تاسیس جمهوری اسلامی، تاکنون مرور کنید تا ببینید که آنها تغییر نکردند و آنکس که تغییر مواضع داد و با آنها همسو شد، آیت الله خمینی و بخشی از روحانیونی بودند که در ابتدای پیروزی انقلاب ایشان با امثال آیت الله خزعلی و عسگر اولادی و حجتیه در یک جوی نمی رفت، اما بعدها دستشان را در همان سفره ای دراز کردند که بازار برایشان پهن کرده بود!

این شناخت، این تجربه- حتی تجربه یکسال اخیر- به عیان می گوید:

تکمیل و تغییر کابینه و اعلام دلائل این تغییر به مردم ایران، و سپس معرفی این کابینه به مجلس اسلامی همچنان در دستور روز جنبش و محمد خاتمی قرار دارد. مباحث مجلس اسلامی پیرامون اعضای این کابینه، بیش از پیش نقاب از چهره وابستگان به بازار و موفله اسلامی و حجتیه و روحانیت مبارز بر خواهد داشت. بدنه نیروهای مسلح بیش از گذشته با ریشه و عمق واقعی مسائل آشنا خواهد شد. این بدنه باید ببیند و بداند که اختلاف نه بر سر کف زدن و سوت کشید، بلکه بر سر خصوصی سازی است، بر سر بازرگانی دولتی است، بر سر برنامه تعدیل اقتصادی است، بر سر وابستگی به انگلستان و آمریکا و یا پسای فشرده بر استقلال کشور است، بر سر مبارزه با عوامفریبی است، بر سر خیانت به انقلاب و یا فشاری بر آرمان های واقعی انقلاب است، که با سوت و کف و حجاب ارتباطی ندارد! همه اینها را باید بدنه سپاه و توده مردم بسیار عمیق تر از امروز بدانند و بفهمند و برای دفاع از حقیقت بسیج شوند.

از اشتباهات بزرگ دولت خاتمی، در دوران اخیر، عدم پافشاری بر اصول اقتصادی مندرج در قانون اساسی است. دولتی که خود را موظف به اجرای قانون و بویژه قانون اساسی می داند و این را بارها اعلام کرده، چگونه می تواند شانه از زیر بار اصول اقتصادی مندرج در قانون اساسی خالی کند! جبهه متحد با کارگزاران سازندگی و یا بخشی از روحانیون و یا هر نوع محاسبه دیگری که بر

مبنای گذشت از این اصول باشد، پایدار نخواهد ماند. آن جبهه ای برقراری ماند، که بر سر تمامی اصول مندرج در قانون اساسی شکل گیرد. از نظر ما، شلیک به قلب ارتجاع و بازار و غارتگران و توطئه کنندگان علیه تحولات مثبت در ایران، به قلب همه آنهاست که با عوامفریبی، مخالفت با مناسبات و روابط سیاسی با آمریکا را پیراهن عثمان کرده و آنرا نشانه مبارزه ضد امپریالیستی به مردم معرفی کرده و یا آرمان های انقلاب را در "تکبیر"، در برابر "سوت" و "کف" و "دست زدن" معرفی کرده اند!

چرا باید پرونده شکنجه شهرداران بجای آنکه در اختیار عامه مردم قرار گیرد، تسلیم دفتر رهبری شود؟ چرا مردم نباید در جریان مذاکرات و چالش هائی قرار گیرند که بر سر تشکیل کابینه بین شورای مصلحت، دفتر رهبری و محمد خاتمی جریان داشت؟

چرا نباید به صراحت به بدنه سپاه پاسداران گفت، که فرماندهانشان نان بازار را می خورند و با شناختی که اکنون از نظر مردم نسبت به این فرماندهان وجود دارد و عملکردی که سپاه در جامعه از خود نشان داده است، این نیروها دیگر حمایت ملی و عمومی را ندارند که در ابتدای جنگ با عراق داشتند! چرا نباید گفت که بدون این پشتیبانی مردمی، نیروهای مسلح ایران (اعم از سپاهی و ارتشی) در یک چشم به هم زدن، همان سرنوشتی را خواهند داشت که ارتش عراق پیدا کرد! چرا نباید این بدنه سپاه و بسیج را به مجموعه همین دلائل به توده مردم وصل کرد، تا هم از استقلال کشور دفاع کرد و هم در برابر توطئه ها ایستاد و توطئه کنندگان را سرچایشان نشاند!

حزب توده ایران، با بهره گیری از تجربه نزدیک به ۶ دهه مبارزه اجتماعی، هنوز هم بر این اعتقاد است، که تشکیل کابینه دوم خرداد، همچنان در دستور کار دولت باید قرار گیرد. این کابینه، باید ساختار دولت را در جمهوری اسلامی دگرگون کند. باید با جسارت گفت که به چه دلیل وزارت اطلاعات و امنیت کشور، نباید در برابر دولت قرار داشته باشد. این را در مجلس اسلامی و هنگامی که نمایندگان وابسته به ارتجاع و حجتیه از ادامه تسلط خویش بر این وزارتخانه دفاع می کنند، باید گفت و وزیر مناسب آن را نیز اعلام داشت. به همین گونه است، تغییر وزرای تحمیلی دیگر، که در کابینه فعلی و بنا بر مصلحت اندیشی ها قرار گرفته اند!

واقعیات مربوط به تعداد آراء، ناطق نوری در انتخابات مجلس پنجم را باید اعلام داشت. بگذارید مردم بدانند و او نیز خود بداند، نماینده چه تعداد از مردم تهران است. به همین گونه است وضع و میزان آراء امثال "باهتر" و بقیه باند وابسته به ارتجاع-بازار در مجلس اسلامی!

این نظر چندان از واقعیت دور نیست، که حتی در صورت به میدان کشیدن نیروهای نظامی نیز، آب رفته دیگر به جوی قذیبی باز نخواهد گشت. جامعه کنونی ایران به عقب باز نخواهد گشت. ستاد توطئه اگر به توان خویش برای بازگرداندن آب رفته به جوی اطمینان داشت، تاکنون جوی خون را، حتی به قیمت رویارویی بخشی از نیروهای مسلح در برابر بخش دیگری از این نیروها براه انداخته و شانس خود را به آزمایش گذاشته بود! آنچه که آنها در انتظار هستند، فلج دولت و نا امیدی مردم نسبت به توان دولت برای مقابله با طرد شدگان انتخابات است و آنچه که این نقشه آنها را نقش بر آب می کند، بسیج مردم و کوبیدن مشت ۲۰ میلیونی مردم بر سینه خاتمتین به آرمان های انقلاب، توطئه کنندگان و طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری است!

شناسائی نظامیان

توطئه گر!

همزمان با این ائتشارگی ها، آخرین شماره نشریه "عصرما"، ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران، که به تاریخ ۲۸ خرداد (شماره ۹۷) منتشر شده، توطئه های هدایت شده در "ستاد توطئه" علیه دولت خاتمی را، "شبه کودتای برملا شده، ارزیابی کرد و در عین حال، برای نخستین بار افشاء کرد، که شبکه هائی که در واحدهای سپاه پاسداران برای مقابله با دولت سازمان داده شده اند، تماماً شناسائی شده اند. عصرما، از جمله اشاره می کند، که در حالیکه اکثریت قوی سپاه پاسداران، با دولت خاتمی و برنامه های آن موافق است، یک بخش سپاه پاسداران در سازماندهی و عملیات تخریبی علیه دولت و تشنج آفرینی های اخیر نقش دارد و با همین هدف نیز سازمان داده شده است. ما (یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) نه تنها واحدهای این افراد را می شناسیم، نه تنها از درجات نظامی آنها کاملاً اطلاع داریم، بلکه اسامی آنها را نیز بدقت می دانیم و در صورت لزوم تمام آنها را منتشر خواهیم کرد.

پاسخ منفی "گروبی" به "ناطق نوری"

مشاور سیاسی ریاست جمهوری:

برنامه اقتصادی در قانون

اساسی مشخص شده!

سعید حجاریان، مشاور سیاسی ریاست جمهوری است. او سالها معاون مرکز پژوهشهای استراتژیک جمهوری اسلامی بود و پیش از آن نیز، از جمله رهبران دانشجویان خط امام. وی اخیرا در شهرستان گرگان سخنرانی کرده و سپس در جریان یک پرسش و پاسخ نقطه نظرات خویش را در باره رویدادهای ایران تشریح کرده است. آنچه را در زیر می خوانید نکاتی است از این سخنرانی.

انتخابات ریاست جمهوری - پیام دوم خرداد پیام صلح و آشتی ملی است. نیروهای انقلاب همدیگر را پیدا کردند و مردم و دولت را بهم پیوند داد. معتقدم دوم خرداد یک جنبش اجتماعی است.

برنامه اقتصادی دولت - طبق قانون اساسی اقتصاد ما بر سه پایه استوار است: دولتی، خصوصی و تعاونی. آقای خاتمی هم در این راه تلاش می کنند که هر سه بخش شکل بگیرد و ما باید سرمایه گذاری صنعتی را در جامعه گسترش دهیم و لازم است از طریق مشارکت مردم در فعالیتهای تعاونی، جذب سرمایه های خارجی و بهبود مدیریت وضعیت اقتصادی را سر و سامان دهیم.

احزاب و جامعه مدنی - از طریق گسترش نهادهای جامعه مدنی و فشار مردم از پائین و جان زنی از طریق مسئولان و نخبگان سیاسی، مردم می توانند مطالبات سیاسی، اقتصادی خود را طلب کنند.

جوانان و نیروی کار - هر سال ۸۰۰ هزار جوان جویای کار داریم و در ۸ سال آینده باید ۱۵ میلیون فرصت شغلی ایجاد کنیم.

سخنان فرمانده سپاه - ما حمایت از آقای رحیم صفوی را بر خود فرض می دانیم، اما نباید لغزشهای افراد را نادیده گرفت. من معتقدم، حتی عملکرد آقای خاتمی را هم باید مورد نقد قرار داد. مردم می گویند یا این سخنان را تکذیب کنید و یا متن کامل آنرا پخش کنید که متاسفانه تا بحال هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

محاکمه شهردار تهران - ما با تخلف مخالفین و خواهان رسیدگی به پرونده های کلیه متخلفین هستیم، اما آیا ثروت های باد آورده فقط در شهرداری جمع شده است؟ مردم ما خواهان بررسی دقیق شهردای تهران بوده و می خواهند که شهردار در یک دادگاه علنی محاکمه شود و همچنین پرونده ارجاعی آقای رئیس جمهور هم از طرف قوه قضائیه پیگیری شود. (۱)

انتخابات مجلس خبرگان - مجلس خبرگان رهبری پشتوانه نظام و رهبری است و لازم است زمینه ای را فراهم کنیم که مردم بیشتر از دوم خرداد سال گذشته در این انتخابات شرکت کنند و مشارکت مردم بدون رقابت معنی ندارد و مسئولان باید زمینه این حضور گسترده را فراهم کنند.

۱- این پرونده مربوط به تحقیق پیرامون نحوه برخورد یا شهرداران دستگیر شده در طول بازداشت است، که مطابق آن، نیروهای ویژه حفاظت اطلاعات، به سرپرستی سرتیپ نقدی، بازداشت شدگان را شکنجه کرده و براساس اعتراف زیر شکنجه پرونده شهرداری تشکیل شده است!

در آستانه تشکیل مجلس اسلامی، برای برکناری عبدا لله نوری از وزارت کشور، دو صحنه گردان اصلی جامعه روحانیت مبارز و مجلس اسلامی، یعنی "ناطق نوری و آیت الله امامی کاشانی"، با حجت الاسلام مهملی کروی ملاقات کرده و به مجمع روحانیون مبارز پیشنهاد تهیه لیستی مشترک (بین روحانیت مبارز و روحانیون مبارز) برای انتخابات مجلس خبرگان را می کنند.

این پیشنهاد با جواب رد مجمع روحانیون مبارز و شخص کروی روبرو شده است. پس از این دیدار، مجلس اسلامی تشکیل جلسه داده و ۱۳۰ نماینده وابسته به روحانیت مبارز و مؤتلفه اسلامی، وزیر کشور را عزل کردند. تمامی شتاب جناح ارتجاع بازار برای عزل وزیر کشور، فلج ساختن دولت در برگزاری انتخابات مجلس خبرگان رهبری و شوراهاست که در نیمه دوم سال جاری برگزار خواهد شد. همانگونه که راه توده در تمام شماره های گذشته تاکید کرده است، مهم ترین انگیزه و دلیل تشدید مقاومت ها در برابر دولت محمد خاتمی، همانا انتخابات مجلس خبرگان رهبری است، که در صورت سالم برگزار شدن آن و راه یافتن روحانیون مستقل از بازار و ارتجاع مذهبی در آن، نتایج مستقیم آن، تغییر نهاد رهبری از سخنگویی ارتجاع بازار، تغییر ترکیب شورای نگهبان قانون اساسی، تغییر و تحولات اساسی در دستگاه قضائی کشور، تغییر ترکیب شورای ائمه جمعه، تغییر نمایندگی های رهبری در سراسر ایران، پایان بخشیدن به شعار "ولایت مطلقه فقیه"، تغییر وضعیت و موقعیت کنونی آیت الله منتظری و... را در پی خواهد داشت.

بنابراین این ملاقات و در اشاره به آن، حجت الاسلام "منتخب نیا"، از رهبران "مجمع روحانیون مبارز" اعلام داشت: "روحانیون با روحانیت، نسبت مشترک ندارند!"

چه کسی نگران است؟

روزنامه سلام، در شماره ۱۹ خرداد خود، از قول یکی از خوانندگانش می نویسد: «اگر آقای خاتمی و ۲۰ میلیون رای دهنده که نماینده دو سوم جمعیت کشور هستند نگران سقوط ارزشهای اسلامی و انسانی جامعه، مندرج در قانون اساسی کشورمان هستند، صد البته اکثر منتقدان ریز و درشت ایشان نیز نگران سقوط ارزش کاخ ها، باغ ها، ویلاها و کارخانه های لاستیک سازی، داروسازی و دامداریهای مدرن خود هستند که آنها را به کمتر از یکدهم قیمت واقعی آن بدست آورده اند. پس هر دو گروه نگران هستند، ولی میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است!»

راه توده: از نظرها نیز، همانطور که در تمام ۶ سال گذشته و به پیروی از ارزیابی حزب توده ایران از مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی از بدو پیروزی انقلاب تا کنون گفته ایم، دعوا نه بر سر عمامه و عبا، نه بر سر مرجعیت و رهبری، نه بر سر ولی فقیه و یا ولی امر مسلمین، بلکه دعوا درست بر سر همان چیزی است که آن خواننده عادی روزنامه سلام، در تلفن به این روزنامه گفته است. ظاهرا توده مردم، همچنان بیش از آن از سازمان های سیاسی و تحلیلگران مهاجرت زده، می دانند ریشه مسائل در کجاست. نام حزب توده ایران، برگرفته شده از نام توده مردم ایران است، به دلیل همین نزدیکی در درک و فهم مسائل است و حزب ما، اصولا را با این واقعیات تطبیق می دهد و در طی تمام دوران حیات سیاسی خویش از تطبیق واقعیات با اصول پرهیز داشته است. (پیرامون درک عمیق از مارکسیسم و تقدم واقعیات بر اصول، مراجعه کنید به گفتگو دو فیلسوف و نظریه پرداز حزب کمونیست فرانسه در همین شماره راه توده)

رفراندم تاریخی!

گفته می شود، که طرح تهیه نامه ای از سوی محمد خاتمی، مورد بحث است، که براساس آن و با ذکر دلایل متعدد در ناهمسویی مجلس کنونی با خواست و نظر ۲۰ میلیون رای دهنده به ریاست جمهوری، از رهبر جمهوری اسلامی خواسته خواهد شد تا مجلس را منحل کرده و انتخابات پیش از موعد در دستور کار قرار گیرد. از هم اکنون در برخی از شهرهای ایران، طومارهایی از سوی مردم امضاء می شود، که مطابق آنها نمایندگان مخالف برنامه های دولت، از سوی مردم عزل شده و عدم اعتماد به آنها، بدین ترتیب اعلام می شود! حتی گفته می شود، که در این نامه مناسب ترین زمان برای برگزاری این انتخابات، همان تاریخی پیشنهاد شده است، که قرار است انتخابات مجلس خبرگان رهبری برگزار شود.